

# **Examination of Monetary and Fiscal Policies in the Islamic Economic System with a System Dynamics Approach**

Dawood Yousofzai\*, Adela Rahmati\*

\*Lecturer at the Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan

\*\* Lecturer at the Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan

## **Abstract**

The aim of this research is to examine monetary and fiscal policies within Islamic economics, utilizing system dynamics to analyze the pathways through which money supply, government revenues, and government expenditures influence the economy. This method employs causal relationships to enhance the understanding of how fiscal and monetary policies operate in an Islamic economic framework. Findings in the area of monetary policy indicate that its impact is mediated through variables such as investment, consumption, and exchange rates. Furthermore, in Islamic economics, the government can utilize fixed and variable profit rates instead of interest rates. In terms of fiscal policy, results show that Islamic governments tend to face lower budget deficits due to the existence of various revenue sources beyond taxation. Additionally, through the application of fiscal policies in Islamic economics, the government can also control inflation within society.

**Keywords:** Fiscal policy, Monetary policy, Islamic economics, System dynamics, Vensim

## بررسی سیاست‌های پولی و مالی در نظام اقتصاد اسلامی با رویکرد

### پویایی سیستم

داود یوسفزی\*، عادلہ رحمتی\*

\* استاد مدعو دانشکده اقتصاد، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

dawood.yousufzai@kateb.edu.af

\*\* استاد مدعو دانشکده اقتصاد، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

AdelaRahmati1@gmail.com

### چکیده

هدف این تحقیق بررسی سیاست‌های پولی و مالی در اقتصاد اسلامی است و از روش پویایی سیستم برای بررسی مسیر اثرگذاری حجم پول، درآمدهای دولت و هزینه‌های دولت استفاده می‌کند. این روش با استفاده از روابط علت و معلولی، برای درک بهتر از نحوه اثرگذاری سیاست‌های مالی و پولی در اقتصاد اسلامی تبیین شده است. یافته‌های پژوهش در حوزه سیاست‌های پولی نشان می‌دهد که تاثیرگذاری این سیاست از طریق متغیرهای سرمایه‌گذاری، مصرف و نرخ ارز در اقتصاد تاثیرگذار بوده و همچنین در اقتصاد اسلامی دولت به جای نرخ بهره می‌تواند از نرخ سود ثابت و متغیر استفاده کند. در بخش سیاست مالی نتایج نشان می‌دهد که دولت‌های اسلامی با کسری بودجه کمتر مواجه می‌شوند به خاطر که دولت به جز درآمدهای مالیاتی نیز دارای سایر درآمدها نیز می‌باشد و هم دولت با استفاده از سیاست‌های مالی اقتصاد اسلامی می‌تواند تورم را نیز در جامعه کنترل نماید.

**واژه‌های کلیدی:** سیاست مالی، سیاست پولی، اقتصاد اسلامی، پویا شناسی، ونیسم

## ۱- مقدمه

دانشمندان اقتصادی در مورد سیاست های اقتصادی و نتیجه های حاصل از آن دارای یک نظریه مشترک نمی باشند؛ بعضی از اقتصاددانان استدلال می کنند که سیستم اقتصادی دارای سیاست های است که تاثیراتی بالای عرضه و تقاضای کل میگذارد؛ و از آنجایی که سیاست گذاران بتوانند تثبیت نظام اقتصادی به وجود آوردند از سیاست های مالی و پولی استفاده می کنند. دولتها برای رسیدن به اهداف اقتصادی از ابزارهای مختلفی برای رسیدن به اهداف مورد نظر با توجه شرایط موجود و محدودیتها در قالب سیاست های پولی و مالی و درآمدی و سایر سیاستها استفاده می کنند. (نوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

یکی از موضوعاتی که در طولانی مدت و به صورت پویا برای دولت اهمیت دارد، عملکرد سیاست های مالی و پولی در اقتصاد کلان است. سیاست گذاران یا مدیران اقتصادی هر جامعه با دو نوع سیاست های پولی (در اختیار بانک مرکزی) و مالی (در اختیار دولت) قادر هستند که اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهند. مایون باور دارد که سیاست های مالی که مورد استفاده قرار می گیرد می توان سطح قیمت ها و اشتغال را کنترل کرد. از آنجایی که سیاست های مالی مربوط دولت می باشد، بحث دخالت دولت در اقتصاد به چه میزان می تواند بر ارتقاء کمی و کیفی نظام اقتصادی تاثیر گذار باشد سال هاست که در بین نظریه پردازان اقتصادی هم در اقتصاد اسلامی هم در اقتصاد متعارف مورد بحث و بررسی می باشد (رضاقلی زاده، ۱۳۹۳: ۳۹). سیاست پولی یکی از ابزارهای بانک مرکزی برای کنترل حجم پول در اقتصاد است. برای افزایش حجم پول در بازار پولی، بانک مرکزی می تواند پول را عرضه کند که به آن سیاست انبساطی پول می گویند. همچنین، برای کاهش حجم پول در بازارها، بانک مرکزی می تواند عرضه پول را کاهش داده و یا حجم پول را کم کند. این سیاست ها توسط بانک مرکزی با هدف کنترل تورم، نرخ بهره و سایر شاخص های اقتصادی اجرا می شود. که این امر بنام سیاست انقباضی پول یاد می گردد. بانک مرکزی با اعمال سیاست های پولی نه تنها حجم پول بلکه، کاهش تورم، افزایش اشتغال و افزایش تولید و ... را نیز هدف قرار داده و تا حد امکان محقق می سازد.

به عنوان یک اصل کلی سیاست پولی مفهومی است که باعث تحقق اهداف ثابت قیمت و حداکثر سازی اشتغال پایدار می گردد که چنین سیاستی می تواند بی ثباتی مالی را کاهش دهد (میشکین، ۲۰۰۴: ۱۴).

هر مکتب اقتصادی یا هر نظام اقتصادی، تصمیم ها و سیاست های که برای رسیدن اهداف مورد استفاده قرار میدهند، براساس یک اصولی می باشد که در آن نظام پذیرفته شده است. در نظام اقتصاد اسلامی اجرای هر نوع سیاست اقتصادی و رسیدن به اهداف مورد نظر امکان پذیر نمی باشد؛ بلکه محدود به اصولی است که شرع آن ها را تعیین می کند. به طور نمونه هدف از مالیات در اقتصاد اسلامی فقط برآوردن نیازهای دولت و افزایش درآمدهای آن نیست؛ بلکه اهداف دیگری چون تأمین زندگی فقیران و ایجاد روحیه

1. Mishkin.

همداری و گذشت و ایثار در بین مسلمانان را نیز به دنبال دارد؛ همان طوری که احادیث در مورد زکات اشاره کرده است (فراهانی فرد، ۱۳۸۵، ۸۳-۸۵). در نظام اقتصاد اسلامی، دولت به جز مالیات دارای ثروت های دیگری نیز می باشد که نقش تعیین کننده ای را در سیاست های مالی دارد ثروت های همانند: زمین، معادن، مراتع، جنگلات و آب که مقداری از آنها را در اختیار دولت می باشد. از آنجایی که اختیارات دولت در نظام اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد متعارف متفاوت می باشد همچنین سیاست های مالی در این دو نظام متفاوت می باشد. سیاست های مالی که در صدر اسلام به شمار می آیند: درآمدهای عمومی، زکات، خمس، خراج، جزیه، انفال و سایر درآمدها می باشد. در نظام اقتصاد اسلامی سیاست های مالی دارای مبانی ویژه ای دارد که شریعت آن را تعیین میکند که برخی از این مبنا عبارت از: توجه به مصالح فرد و اجتماع، آزادی اقتصادی، همیاری، نقش متعادل دولت در اقتصاد، توجه به منافع عمومی، رعایت اعتدال، حفظ محیط زیست، سهولت و ممنوعیت استثمار میباشد (سبحانی، ۱۳۹۱: ۶۳۵). سیاست های پولی اهدافی در جهت تسریع رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال کامل، تثبیت سطوح عمومی قیمت ها، ایجاد تعادل در موازنه پرداخت های خارجی و ... می باشد. بنابراین در اعمال سیاست های پولی اهداف بزرگی نهفته است که مطالعه دقیق مکانیسم سیاست های پولی و بررسی نحوه اثرگذاری آن در اقتصاد، به بانک مرکزی کشور کمک می کند تا با آگاهی بیشتر از طریق این سیاست به اهداف بزرگ اقتصادی دست یابد. از آنجایی که پایه و اساس سیاست پولی بر مبنای نرخ بهره بنا شده است و با دین مبین اسلام مغایرت دارد لذا برای جایگزینی ابزار اسلامی بجای نرخ بهره ثابت و از پیش تعیین شده بایستی مطالعات و پژوهشی های صورت گیرد تا بتوان هم سیاست های پولی را برای ثبات اقتصادی بکار برد و هم مطابق شرع و قانون اسلامی عمل کرد. این پژوهش با استفاده از مدل سازی پویا شناسی؛ اثرات سیاست های مالی و پولی را در اقتصاد اسلامی به صورت جداگانه مورد ترسیم قرار داده و با استفاده از روش پویا شناسی درک جامع و نظام مند از عملکرد کل سیستم و شناخت ارتباط درونی بین متغیرهای اقتصادی در سیاست های مالی و پولی در نظام اقتصاد اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

## ۲. پیشینه تحقیق

فراهانی فرد (۱۳۸۱)، در کتابی سیاست های اقتصادی در اسلام مورد بررسی قرار داده است که به تبیین سیاست های اقتصادی و اهداف آن در سه بخش مالی، پولی و درآمدی پرداخته است و با معرفی ابزارهای هر یک از آنها، چگونگی اجرا و آثار این سیاستها را از دیدگاه مکاتب گوناگون بررسی می کند. نوری کرمانی (۱۳۸۸) در مقاله خود به بررسی سیاست های مالی از دیدگاه قرآن پرداخته و تاکید بر این دارد که آن چه دولت ها در قالب سیاست مالی به عنوان اهداف اقتصادی - اجتماعی اجراء می کنند، در قرآن به شکل بسیار دقیق و انسانی تر آمده است، وی با مروری به اهداف سیاست های مالی چون تخصیص منابع، توزیع مجدد درآمد، تثبیت اقتصادی و تامین بودجه دولت به اهداف قرآنی می پردازد. سعادت ای میر (۱۳۸۸)، تحقیقی در حوزه مالیه عمومی با نگرش اقتصاد اسلامی انجام داده، که یکی از ضروریات اسلام را حکومتداری میداند و نقش مهمی را برای دولت در حوزه اقتصادی قایل است و وظایف آن در حوزه اقتصاد به شش دسته تقسیم بندی کرده است و همچنین به منابع درآمدی دولت نیز اشاره کرده

است و در اخیر نیز به اصول هزینه های دولت اسلامی پرداخته است. محمد یوسف (۲۰۰۵) تحقیقی در مورد نقش زکات را به عنوان یک سیاست مالی در اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار داده، در نتایج خود بیان می کند که زکات می تواند به عنوان یک سیاست برای تثبیت اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد، زمانی که رونق اقتصادی وجود دارد هزینه های زکات می تواند با استفاده از مازاد که در طول دوره رونق جمع آوری گردیده است موجب افزایش هزینه های دولت و فعالیت های اقتصادی شود. سعید طاهر (۲۰۱۱) مقاله تحت عنوان سیاست های مالی و پولی اقتصاد اسلامی را در یک چهارچوب سازمانی مورد بررسی قرار داده است، که در این تحقیق به دو نکته مهم در مورد سیاست های اقتصادی اشاره کرده که در قدم اول هر دو سیاست باید در زمینه اهداف کلی در سطح دولت مکمل یکدیگر باشند، تجزیه و تحلیل که از هر دو سیاست اقتصادی صورت می گیرد متفاوت از آن چیزی می باشد که در حال حاضر به رسمیت شناخته شده است. در قدم دوم بیان می کند که اهداف اقتصادی یک کشور را می توان از طریق تحولات در زمینه مهندسی پولی و مالی اجرا کرد. پیغامی (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان سیاست های مالی و پولی در اسلام را مورد مطالعه قرار داده است، نویسنده بیان کرده که هر نظام اقتصادی، سیاست هایی که برای رسیدن اهداف اقتصادی مورد استفاده قرار می دهد دارای اصولی می باشد که این شخص در تحقیق خود به این اصول های اقتصادی که در اسلام وجود دارد پرداخته و مورد اشاره قرار داده است.

حقیقی (۱۳۸۵)؛ در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش، مدل سازی مکانیزم انتقال سیاست پولی در بانکداری بدون ربا (مورد ایران) با روش گشتاور تعمیم یافته، که در این مطالعه کانال های موجود در مکانیزم انتقال سیاست پولی، در دو بخش متفاوت کانال های سمت عرضه و کانال های سمت تقاضا، از نظر تطابق با اصول نظام اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مطابق با تئوری های سیاست پولی اسلامی و اصول اقتصاد، کانال بازدهی (و توپین)، کانال عرضه تسهیلات، کانال ثروت خانوار و کانال هزینه، به عنوان مکانیزم های انتقال سیاست پولی در یک نظام بدون ربا تلقی می گردند را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و برای اطمینان از صحت این نتیجه نیز از داده های سالانه این آزمون طی سال های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۴ بوده است و با استفاده از روش فیلتر هودریک پرسکات، شاخص را برای سیاست پولی استخراج کرده است و نیز برای تخمین مدل تابلویی پویا، از روش گشتاور تعمیم یافته سیستمی GMM-SYS استفاده کرده و نتایج نشان می دهد که کانال عرضه تسهیلات، یک مکانیزم انتقال سیاست پولی در بانکداری بدون ربا در ایران است.

حسینی و ندری (۱۳۹۱)؛ آثار بخشی سیاست پولی را در چارچوب بانکداری بدون ربا با استفاده از مدل SVAR و بر اساس داده های فصلی ۱۳۹۶-۱۳۸۷ بررسی کرده اند. در این تحقیق بیان گردیده که واکنش بخش های اقتصادی به شوک سیاست پولی متفاوت است و بیشترین و سریع ترین واکنش را بخش صنعت نشان می دهد. همچنین سهم شوک سیاست پولی در تغییرات ارزش افزوده بخش صنعت نسبت به سهم این شوک در تغییرات ارزش افزوده دو بخش دیگر (کشاورزی و خدمات) بیشتر است. لذا در اقتصاد حساسیت بخش صنعت نسبت به سیاست پولی از دو بخش کشاورزی و خدمات بیشتر است.

1. Mohmmad yousufi.

فراهانی فرد (۱۳۹۵) در اقتصاد نئوکلاسیک، سیاست پولی تأثیر مستقیم و بی‌واسطه‌ای بر بخش واقعی اقتصاد دارد. به عبارت دیگر، تغییرات در سیاست پولی می‌تواند به طور مستقیم و بدون هیچگونه تأخیر و تأخیر، اثرات قابل مشاهده‌ای روی تولید، اشتغال و سایر شاخص‌های اقتصادی داشته باشد. اما در اقتصاد اسلامی، سازوکارهای انتقال دهنده اثر سیاست پولی بر بخش واقعی اقتصاد متفاوت است. در این سیستم، تحقق هدف اصلی سیاست پولی یعنی ثبات و کنترل نوسانات پولی در اقتصاد، به طور مستقیم با بخش واقعی اقتصاد مرتبط است. به عبارت دیگر، تأثیرات سیاست پولی در اقتصاد اسلامی از طریق بخش واقعی اقتصاد به صورت غیرمستقیم و با تأخیر منتقل می‌شود. و همچنین تفاوت عمده در اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد اسلامی در کانال‌های سرمایه‌گذاری، مصرف و تجارت خارجی به‌عنوان مؤثرترین بخش‌ها در سیاست‌های پولی بر اقتصاد، مربوط به مکانیسم در بخش واقعی بوده و در برخی از کانال‌های مذکور تفاوت‌های در نوع متغیرهای انتقال اثر سیاست پولی وجود دارد. میر جلیلی (۱۳۹۵)؛ به‌صورت تطبیقی سیاست پولی متعارف را در مقابل نامتعارف مورد تحقیق قرار داده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در بحران مالی جهانی، کاهش نرخ بهره پایه بانک مرکزی نزدیک به صفر باعث مختل شدن کاربرد سیاست پولی متعارف می‌شود. و بانک مرکزی عمده به ناچار به سیاست پولی نامتعارف روی آوردند تا بتوانند عرضه پول را کنترل کنند. بازگشت از سیاست پولی نامتعارف به سیاست پولی متعارف از طریق بازیابی اقتصادی ممکن می‌شود. شهبازی و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی را تحت عنوان "اهداف نهایی سیاست‌های پولی و طراحی تابع هدف مقام پولی؛ رهیافت اقتصاد اسلامی" انجام داده‌اند که بر اساس نتایج تحقیق سه هدف کنترل تورم، نظام تخصیص عادلانه پول (اعتبار) و تأمین ثبات بخش حقیقی در اقتصاد به عنوان سه هدف نهایی سیاست پولی در اقتصاد استخراج و معرفی گردید. براساس این اهداف نهایی، به منظور ارائه چارچوب قاعده‌مند برای سیاست‌گذاری پولی، تابع هدف مقام پولی در چارچوب اقتصاد اسلامی طراحی و ارائه گردید. بر اساس این تابع، مقام سیاست‌گذار پولی باید فاصله میان وضعیت موجود متغیرهای هدف را با وضعیت مطلوب آن‌ها حداقل نماید تا براین اساس، زیان اجتماعی ناشی از فاصله گرفتن از وضعیت مطلوب کاهش یابد.

سیدظاهر (۲۰۱۳)<sup>۱</sup> سیاست پولی و مالی را به‌صورت نهادی و سازمانی در اقتصاد اسلامی مورد بحث و بررسی قرار داده است که در این تحقیق به دو نکته کلیدی اشاره می‌گردد: (۱) وظایف هر دو سیاست (پولی و مالی) بایستی در زمینه اهداف کلی در سطح دولت مکمل یکدیگر باشند. (۲) اثرات هر دو سیاست متفاوت از آنچه تا حالا شناخته شده است، خواهد بود. پراتاما<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در تحقیقی تحت عنوان؛ اثربخشی انتقال سیاست پولی متعارف و اسلامی با استفاده از روش VAR و به‌کارگیری داده‌های ماهانه طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۱۵ اثربخشی سیاست پولی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی را از طریق ابزارها و کانال‌های نرخ بهره و کانال تقسیم سود و زیان مورد بحث و بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق بیان می‌دارد که در بلندمدت ابزارهای مالی اسلامی برای کنترل نرخ تورم و تشویق رشد بانکداری اسلامی، ابزارهای

1. Sayyid Tahir.

2. Pratama.

مناسبی هستند. اخترالدین<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) سیاست‌های پولی اسلامی را بررسی کرده‌اند و اینکه آیا جایگزینی برای نرخ بهره هست یا خیر؟ یافته‌های این تحقیق بیان می‌دارد که، تحلیل‌ها تطبیقی اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف بیانگر این است که بسیاری از ابزارهای متعارف در واقع با قانون اسلامی همخوانی داشته و می‌توان از آن در اقتصاد اسلامی استفاده کرد که مهم‌ترین آن نرخ ذخیره قانونی می‌باشد. نرخ بهره-ربا که مبناء و اساس اقتصاد متعارف را تشکیل می‌دهد در دین مبین اسلام تحریم شده است و باید ابزار جایگزین مناسب آن‌ها بکار ببریم. در این مطالعه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را به‌عنوان ابزار مناسب جایگزین نرخ بهره معرفی کرده‌اند، با این بیان که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی می‌تواند به‌عنوان معیار مناسب جایگزین نرخ بهره باشد زیرا این معیار بازتاب بخش واقعی اقتصاد بوده که با درآمد ملی، پس‌انداز، تورم، نرخ ارز و سرمایه‌گذاری در ارتباط است ولی در عین حال نرخ بهره واقعی صرفاً در بازار پول تعیین گردیده و هیچ مطابقتی با بخش حقیقی اقتصاد ندارد. سارکر (۲۰۱۶)<sup>۲</sup> تحقیقی را تحت عنوان بررسی ابزارهای سیاست پولی اسلامی معرفی شده در کشورهای منتخب عضو OIC انجام داده است. ابزارهای سیاست پولی اسلامی کشورهای نظیر؛ مالزی، سودان، بحرین، ایران و بنگلادش مورد بررسی قرار گرفته و دو ابزار پولی جدید بر علاوه این ابزارها نیز معرفی گردید. ابزارهای پولی معرفی شده در این مطالعه شامل اوراق مضاربه بانک مرکزی و اوراق مضاربه دولت است.

### ۳. مبانی نظری

#### ۳-۱-۳ سیاست‌های مالی در اسلام

همان‌طوری که در صفحات قبل مورد بررسی قرار گرفته سیاست‌های مالی از دو طریق درآمدهای دولت و هزینه‌های دولت بر روی اقتصاد تاثیرگذار می‌باشد. در بخش درآمدها، دولت‌های اسلامی از منابع سرشار طبیعی برخوردار است که توانایی دولت را در اجرای سیاست‌های اقتصادی دو چندان می‌سازد. در بخش هزینه‌های دولت، موارد مصرف که در آن مثل زکات و خمس مشخص است که تامین مالی می‌شود. این کار باعث می‌شود که دولت اسلامی را به اهداف مورد نظر نزدیکتر نماید و نیز باعث می‌شود که سیاست‌گذاری را از انعطاف پذیری برخوردار سازد (فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ۳۰۱).

#### ۳-۱-۱-۳ تخصیص

در اقتصاد اسلامی، اصل اصلاح‌کننده به این معنا است که دولت باید در تخصیص منابع و تنظیم عرضه و تقاضا، به اهداف و ارزش‌های اسلامی پاسخگو باشد. به عبارت دیگر، اگر روش تخصیص منابع با اهداف و ارزش‌های جامعه اسلامی سازگار نباشد، دولت باید آن را تغییر دهد و با استفاده از قراردادهای مشارکت و سایر ابزارهای مالی، منابع را به سمت تولید کالاها و خدمات نظر به مناطق اولویت‌بندی کند. (اکرم خان، ۱۳۷۵: ۳۵۴). بهترین روش برای تخصیص ثروت‌های طبیعی انفال است که دولت‌ها می‌توانند با اعمال متفاوت در شرایط واگذاری جهت فعالیت‌های مختلف و نیز تغییر سهم سود خود به وجود آورد استفاده از قراردادهای مشارکت، منابع موجود را به سمت تولید کالاها، خدمات نظر به مناطق اولویت‌بندی

1. Akther Uddin.

2. Sarker.

و تقیسم بندی گردد (فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ۱۷۴). از جمله مواردی که می‌توان سیاست‌های مالی را در حوزه تخصیص منابع تاثیر گذار باشد عبارتند از:

- ۱- استفاده از زکات در جهت افزایش دادن تقاضا در حوزه جمع آوری و توزیع آن به صورت عین مال (منذر قحف، ۱۳۷۶: ۱۸۴).
  - ۲- تخصیص دادن منابع در حوزه آموزش و پزشکی.
  - ۳- تخصیص دادن منابع در طرح‌های توسعه اقتصادی در مناطق فقیر نشین.
- منابع درآمدی که دولت از طریق زکات، خمس و سایر دارایی‌های که بدست آورده است، مصرف این عواید می‌تواند اثراتی تخصیصی در بعضی از حوزه‌ها داشته باشد:
- ۱- اثر تخصیص منابع بین کشاورزی، صنعتی و.....
  - ۲- اثر تخصیص منابع بین شهرها و اقلیم‌های مختلف.
  - ۳- اثر تخصیص منابع بین سرمایه گذاری انسانی و فیزیکی.

### ۱-۲-۳ توزیع

نحوه توزیع ثروت و درآمد از دغدغه‌های اصلی هر نظام اقتصادی است. به اعتقاد بسیاری از محققان نحوه توزیع درآمد محوری‌ترین عامل در رفاه اجتماعی می‌باشد و همچنین عدم توجه به این بخش اساسی در طراحی انواع سیاست‌های اقتصادی می‌تواند آسیب‌های زیادی بر اقتصاد یک دولت وارد نماید (توسلی، ۱۳۹۳: ۵۵). در اقتصاد اسلامی نیز به نحوه توزیع ثروت و درآمد توجه شایانی شده است تا در مسیر صحیحی جریان یابد (سلیمانی و فرشی، ۱۳۸۶: ۲۳۹). در حوزه توزیع، اسلام تلاش می‌کند تا با وضع قوانین شایسته، شکاف درآمدی بین افراد را از بین ببرد تا در جامعه برادری و روح تعاون و همکاری میان افراد جامعه برقرار شود. در اسلام اختلاف درآمدها نمی‌تواند زیاد گسترده باشد به خاطر که هر مسلمان ثروتمند خود پایبند به قوانین اسلامی می‌داند و این قوانین، از انباشت ثروت جلوگیری می‌کند و موجب بهبود توزیع درآمد بین افراد می‌شود (فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ۳۱۸). در اقتصاد اسلامی، ملاک توزیع درآمد و ثروت‌ها کار دانسته شده است که این توزیع عادلانه در سه مرحله (پیش از تولید یعنی توزیع ثروت‌های طبیعی، بعد از تولید و توزیع مجدد) انجام می‌گیرد که در آن نقش سیاست‌های مالی هم آشکار است.

### ۳-۱-۳ تثبیت

رسیدن به وضعیت تعادلی و جلوگیری از نوسانات اقتصادی یکی دیگر از اهداف سیاست‌های اقتصادی، خصوصا سیاست‌های مالی می‌باشد. مواردی که مربوط به انقال و دیگر ثروت‌های طبیعی و گستردگی و وسعت آن‌ها می‌گردد اهمیت و نقش آن در اقتصاد معلوم است به صورت دقیق مورد توجه گیرد. ثروت‌های طبیعی که از طرق مختلف نصیب دولت اسلامی می‌گردد، یکی از عوامل تعیین کننده در افزایش سطح اشتغال و تولید و به تبع آن پیشرفت و رشد اقتصاد و پویایی آن در جامعه می‌باشد. که با استفاده از منابع که در اختیار دولت قرار دارد می‌توان سطح قیمت‌ها را جلوگیری کرد (فراهانی فرد، ۱۳۸۰: ۴۹-۵۰). به صورت کل سیاست‌های مالی که در حوزه تثبیت می‌تواند بر روی متغیرهای کلان اقتصادی تاثیر گذار باشد قرار زیر می‌باشد:



- ۱- تأثیر بر اشتغال
- ۲- تأثیر بر سطح قیمت‌ها
- ۳- رشد و توسعه همه جانبه اقتصادی
- ۴- جلوگیری از نوسانات اقتصادی

### ۳-۲ سیاست‌های پولی در اسلام

سیاست پولی در چارچوب اقتصاد اسلامی به مجموعه سیاست‌ها و تصمیمات ناظر بر حجم پول و کیفیت تخصیص آن گفته می‌شود که درصدد ایجاد ثبات و بستر مناسب و عادلانه برای فعالیت‌های بخش واقعی اقتصاد است (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۷). تفاوت اساسی بین سیاست پولی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی این است که؛ این سیاست در نظام اسلامی فقط به منظور پاسخگویی به نیاز پولی بخش واقعی اقتصاد و تزریق پول در جامعه متناسب با بخش واقعی است و در راستای تحریم بهره و فقدان فعالیت‌های سفته‌بازی، همواره دو بخش پولی و واقعی اقتصاد هماهنگی دارند (فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ۳۲). اهدافی که سیاست پولی در نظام اقتصاد اسلامی دارد عبارت از: ۱. اقتصاد بدون ربا، ۲. خلق و عرضه پول با پشتوانه دارائی‌ها، ۳. تورم کم تا متوسط، ۴. نرخ ارز باثبات و ۵. افزایش پس‌انداز.

در نظام اقتصاد اسلامی آنچه حایز اهمیت است این است که، سیاست پولی که از سوی بانک مرکزی کشور اسلامی اعمال می‌شود بایستی در راستای تأمین عدالت اجتماعی و یا به صورت کلی اهداف اقتصاد اسلامی تنظیم شده باشد. موضوع که در سیاست‌های پولی محل بحث است، آن است که، قدرت خرید پول افراد جامعه با اعمال سیاست انبساطی توسط بانک مرکزی که به افزایش حجم پول منجر می‌شود، کاهش یافته، و بانک مرکزی و دولت اسلامی آیا موجبات ضرر آن‌ها را فراهم ساخته است یا خیر. که برخی از فقیهان حاضر، پاسخی به این سؤال ارائه کرده‌اند که به صورت خلاصه بیان می‌گردد:

اگر سیاست‌های پولی با توجه به اهداف و مصالح اقتصادی و سیاسی نظام تنظیم شده باشد، نه تنها بی‌اشکال است بلکه در مواردی، لازم به اجرا است. ناگفته نماند که یکی از اهداف، برقراری رفاه عمومی و توازن اقتصادی در پرتو عدالت اقتصادی است که ممکن سیاست پولی منجر به ایجاد شکاف طبقاتی و عدالت اقتصادی شود. در این صورت است که سیاست پولی در تضاد با اهداف کلان کشور طراحی شده و این نوع سیاست‌گذاری در سطح کلان و ملی جایز نیست؛ مگر اینکه هدف مهم‌تری در پیش باشد مانند استقلال اقتصادی یا اصل حفظ نظام را دنبال نماید که در این صورت سیاست‌گذاری باید در راستای رسیدن به اهداف مهم‌تری برنامه‌ریزی شود (فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

عارف (۱۹۸۲)<sup>۱</sup>، اقبال و خان (۱۹۸۱)<sup>۲</sup>، چپرا (۱۹۸۵، ۱۹۸۳ و ۱۹۹۶)<sup>۳</sup>، خان (۱۹۸۶ و ۱۹۹۲)، خان و میراخور (۱۹۹۴، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۷)<sup>۴</sup>، سید طاهر (۲۰۱۳)<sup>۵</sup>، فهیم خان (۱۹۹۶)<sup>۶</sup>، تیمور کوران (۱۹۸۶)<sup>۷</sup>، ظهیر (۲۰۱۲)<sup>۸</sup>، نقوی (۱۹۸۱)<sup>۹</sup>، سوکمان و قاسیم (۲۰۱۰)<sup>۱۰</sup>، سید عباس موسویان (۱۳۸۶، ۱۳۹۴)<sup>۱۱</sup> و سعید فراهانی فرد (۱۳۹۱، ۱۳۸۵، ۱۳۹۵، ۱۳۹۷)<sup>۱۲</sup>، اقتصاددانانی مسلمانی هستند که در رابطه به سیاست‌های پولی و ابزارهای آن در اقتصاد اسلامی هر کدام به‌صورت جداگانه تحقیق کرده‌اند و طبق باور ایشان ابزارهای سیاست پولی در اقتصاد اسلامی همان ابزارهای متعارف با عناصر اسلامی می باشد، بطور مثال بجای استفاده از اوراق بهادار مبتنی بر بهره در عملیات بازار باز، از اوراق بهادار اسلامی همانند اوراق اجاره، مضاربه و ... استفاده میشود. از سوی دیگر قانون بانکداری بدون ربا نیز در مطالعات جدیدش ابزارهای مالی اسلامی را برای اعمال سیاست پولی، همان ابزارهای متعارف ولی با حذف مبنای ربای آن و استفاده از عناصر اسلامی در این ابزارها برای بانکداری بدون ربا نیز پیشنهاد کرده است. که این ابزارها شامل تغییر نرخ سپرده قانونی، تغییر در نرخ تنزیل مجدد و عملیات در بازار باز از طریق خرید و فروش اوراق بهادار اسلامی می‌باشد.

### ۳-۳ سیستم‌های پویا

روش مورد استفاده شده پویاشناسی<sup>۱۱</sup> بوده که نوعی از روش شناسی و شبیه سازی اولیه توسط کامپیوتر برای تعیین چهارچوب، فهم، درک و بحث درباره بعضی از موضوعات و مسائل پیچیده مدیریت، صنعتی، اجتماعی و حتی در حوزه طبی مورد استفاده قرار می‌گیرد «پویایی سیستم روش تحلیل مسایلی است که در آنها زمان یک عامل مهم است و در برگزیده بررسی چگونگی واکنش و دفاع یک سیستم در برابر شوک هایی است که از بیرون بر آن اعمال می شود» (میرغفوری و همکاران، ۱۳۹۴).

پویایی سیستم برای اولین بار توسط جی فورستر در دانشگاه MIT در اواخر دهه ۱۹۵۰ ایجاد شد. لین، (۲۰۰۰)<sup>۱۲</sup>. هدف از مدل سازی پویایی های سیستم، بدست آوردن درک و دیدگاهی در مورد روابط سیستم است تا بتوان خط مشی های ممکن برای بهبود سیستم را بررسی کرد (اسعدی و اردکانی، ۱۳۹۴).

رویکرد پویایی سیستم بدلائیل زیر قادر است برخی از ضعف های روش سنتی را پوشش دهد:

1. Ariff.
2. Iqbal & Khan.
3. Chapra.
4. Mirakhor.
5. Sayyid Tahir.
6. Fahim khan .
7. Timor kuran.
8. Zahir.
9. Naqavi.
11. Sukman & kassim.
11. Dynamic System's
- 12 Len.

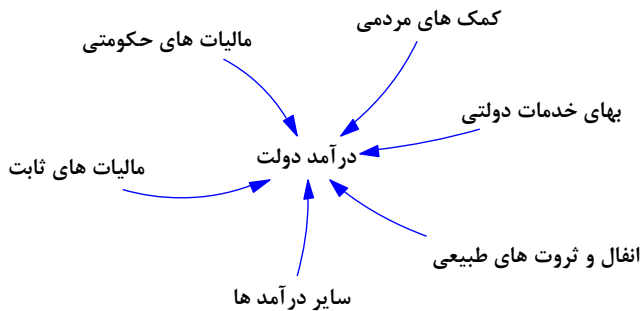
- برخورداری از نگرش سیستمی و یکپارچه و نگاه غیر خطی به مسایل
  - انطباق با مسایل از زمینه های گوناگون
  - استفاده از رویکرد کیفی در طراحی مدل در کنار استفاده از روش های کمی شبیه سازی
  - انعطاف در برابر بزرگ شدن مرزهای مسئله
- افزایش تعداد متغیرها و تغییر روابط (اسماعیلیان و محمدی، ۱۳۹۴، ص ۵-۶).

#### ۴. یافته‌های پژوهش

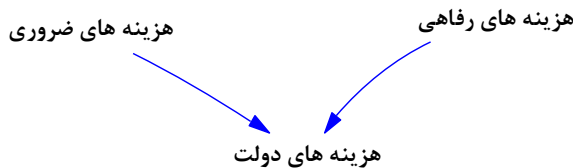
در این بخش به یافته های تحقیق که صورت گرفته پرداخته می شود.

#### ۴-۱ روابط علت و معلولی درآمد و هزینه‌های دولت (اقتصاد اسلامی)

دولت در نظام اقتصاد اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که مسئولیت نظارت بر اقتصاد جامعه و هدایت آن را به دوش دارد و نقش سیاست‌های مالی دولت در عرصه اقتصاد بسیار مهم می‌باشد. ساختار اولیه درآمد دولت و هزینه‌های دولت در نظام اقتصاد اسلامی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



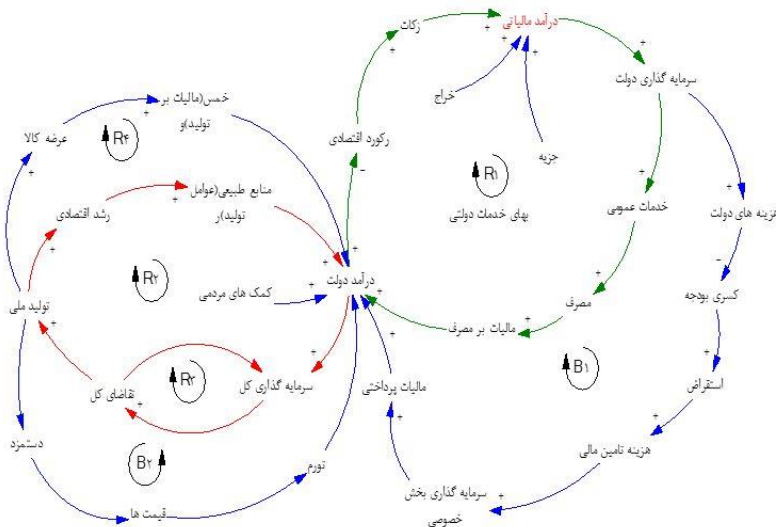
شکل ۱: روابط علت و معلولی اولیه درآمد دولت در نظام اقتصاد اسلامی



شکل ۲: روابط علت و معلولی اولیه هزینه‌های دولت در نظام اقتصاد اسلامی

#### ۴-۱-۴ روابط علت و معلولی درآمدهای دولت در اقتصاد اسلامی

سیاست‌های درآمدی در اقتصاد به معنای دخالت دولت به صورت مستقیم در عرصه اقتصاد با هدف گذاری تاثیر بر درآمدها و قیمت‌ها می‌باشد. زمانی که حرف از درآمد گفته می‌شود به معنای دستمزدها است؛ به خاطر که یکی از مهم‌ترین اجزای تشکیل دهنده هزینه‌ها در کشورها به شمار میرود، از یک طرف قیمتی که وجود دارد؛ قیمت کار می‌باشد، اما از لحاظ مقدار یکی از مهم‌ترین انواع درآمد در جوامع صنعتی به کار میرود، به خاطر که بیشترین هزینه‌های تولید نزدیک به ۵۰ الی ۸۰ درصد مربوط این بخش می‌باشد. به طور نمونه سیاست‌های درآمدی و قیمتی را شامل دخالت در قیمت همه کالاها و خدمات سرمایه‌ای و مصرفی می‌گردد، به طور نمونه اجاره مستغلات را می‌توان بیان کرد که از یک نگاه هم درآمد است و هم قیمت می‌باشد (منذر قحف، ۱۳۸۷: ۱۶۹). مالیات یکی از ابزارهای سیاست‌های مالی می‌باشد که در جهت حفظ منابع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد که براساس قوانین کشور اخذ می‌گردد (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸).



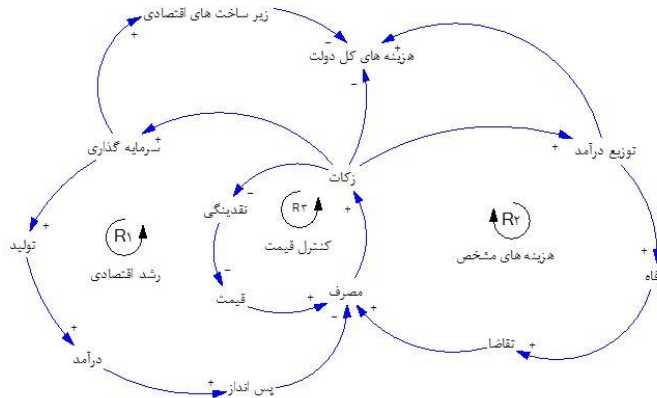
شکل ۳: روابط علت و معلولی درآمد در نظام اقتصاد اسلامی

مالیات‌ها در نظام اقتصاد اسلامی، فقط دارای یک ویژگی نمی‌باشد بلکه ویژگی‌های متفاوتی را دارا می‌باشد که عبادی بودن، مردمی بودن، معین بودن، اخلاقی بودن و هم چنین دواطلبانه بودن مالیات‌ها، مهم‌ترین این ویژگی‌ها را تشکیل می‌دهند (حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳). در روابط علت و معلولی که طراحی شده است نقش درآمدهای مالیاتی در دولت اسلامی را نشان داده که دولت‌های اسلامی درآمدهای مالیاتی بیشتری دارند همان طوری که در شکل صفحه قبل نشان داده شده است درآمد دولت از ترکیبات مختلفی از جزیه، خراج، زکات و خمس تشکیل شده است. دولت زمانی که بخواهد از سیاست‌های مالی انبساطی استفاده نماید می‌تواند با محدود کردن اموال مورد تعلق زکات، باعث افزایش درآمد قابل تصرف افراد در جامعه گردد که به دنبال خود تقاضا کل جامعه رشد پیدا کرده اما لازم است که به دنبال خود اثر

کاهش هزینه های دولت را خشنی نکند. زکات به عنوان مالیات ثابت در نظام اقتصاد اسلامی می تواند درآمد مالیاتی دولت را افزایش داده، که دولت با افزایش درآمد مالیاتی خودش می تواند، سرمایه گذاری را رشد داده و در مقابل آن نیز دوباره می تواند درآمد خود را نیز افزایش دهد (فراهانی فرد، ۱۳۸۵). در اقتصاد متعارف، جاهایی که بخش خصوصی سرمایه گذاری انجام می دهد، دولت هیچ علاقه ای ندارد به آن بخش وارد شود، اما در نظام اقتصاد اسلامی دولت با استفاده از منابع مالی در اختیار (مالیات های ثابت و متغیر، ثروت های عمومی، انفال) می تواند به طور مستقیم در عرصه تولید وارد شود و برخی از فعالیت های اقتصادی را به دوش بگیرد و از این طریق خدمات عمومی جامعه بیشتر شود که در نتیجه مطلوبیت افراد بالا می رود و همچنین دولت می تواند نوسانات قیمت را کنترل کند، باید دولت به یاد باشد که در نظام اقتصاد اسلامی کارایی اش از بخش خصوصی کمتر نباشد (همان) همچنان دولت با مالیات که بدست آورده است می تواند خدمات عرضه عمومی را نیز افزایش دهد و در مقابل این نوع خدمات هم می تواند مالیات بر مصرف بگذارد و مورد استفاده قرار دهد (اثنی عشری و میکائیلی، ۱۳۹۳) (حلقه R۱ بهای خدمات دولتی).

از آنجایی که سرمایه گذاری یکی از مهم ترین متغیرهای کلان اقتصادی است، نقش بسیار تعیین کننده ای در نوسانات اقتصادی و رشد اقتصادی را در یک جامعه دارد، که هزینه های دولت به عنوان یک متغیر سیاست گذاری مورد استفاده قرار می گیرد و نقش تعیین کننده ای نیز برای سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد (پژویان و خسروی، ۱۳۹۱). زمانی که دولت سرمایه گذاری در زیرساخت ها انجام می دهد مکمل سرمایه گذاری بخش خصوصی به حساب می رود و به تسهیل فعالیت های بخش خصوصی کمک می کند که حتی نیز افزایش بازدهی سرمایه گذاری بخش خصوصی را افزایش می دهد. سرمایه گذاری دولت که در بخش صنایع یا فعالیت های که می تواند از سوی بخش خصوصی انجام گیرد، احتمالاً تاثیر منفی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد که به دنبال خود نیز مالیات پرداختی بخش خصوصی به دولت کاهش یافته و درآمد دولت نیز کاهش می یابد (اصغرپور و اسلامی نژاد، ۱۳۸۶) (حلقه B۱). مالیات های که در نظام اسلامی جمع آوری می شود و بالخصوص زکات، موجب افزایش پس انداز، رشد موجودی سرمایه، افزایش ثبات اوضاع اجتماعی و سیاسی به همراه کاهش ریسک و بالارفتن میل نهایی به سرمایه گذاری و هم چنین موجب کاهش احتمال ضرر در سرمایه گذاری و ثبات بازار وام می شود. زمانی که سرمایه گذاری افزایش می یابد، رشد اقتصاد به وجود آمده که به دنبال خود نیز تولید ناخالص ملی رشد می کند و به دنبال آن نیز درآمد ملی نیز افزایش می یابد (امام وردی، ۱۳۹۱) (حلقه R۱، B۱ و B۳).

### ۴-۴-۲ روابط علت و معلولی بخش هزینه‌ها در اقتصاد اسلامی



### شکل ۴: روابط علت و معلولی هزینه‌های دولت اسلامی

زکات یکی از جریان مستمر تامین مالی برای دولت‌ها می‌تواند باشد. که به عنوان یک ابزار تامین مالی کسری بودجه دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (منذر قحف، ۱۳۸۷). بنابراین در این قسمت با طراحی مدل روابط علت و معلولی در حوزه هزینه‌های دولت با ساختار زکات پرداخته شده است که چپوری هزینه‌های دولت در روابط اسلامی کاهش و یا افزایش می‌یابد.

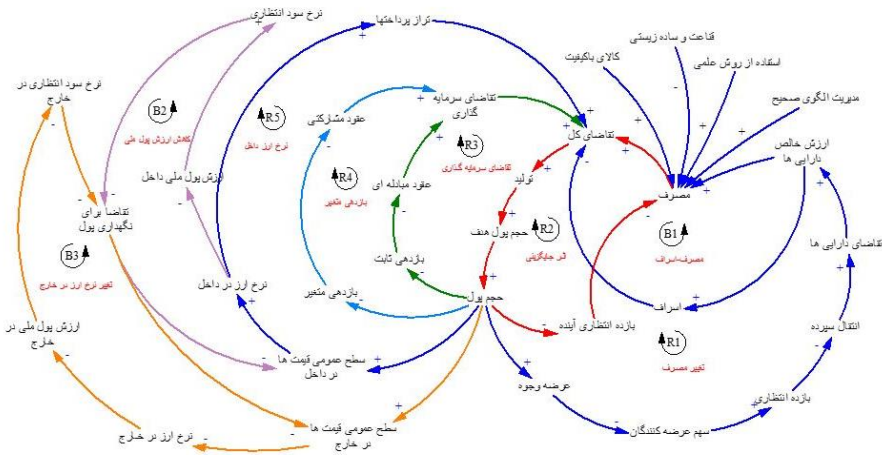
زمانی شرایط رکود در اقتصاد به وجود می‌آید دولت‌ها از زکات می‌توانند به عنوان یک ابزار سیاستی در حوزه سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار دهند و از منافع آن استفاده کرد (رشد اقتصادی  $R_1$ ). یکی دیگر از راه‌های سیاست‌گذاری که می‌توان در حوزه کنترل قیمت از زکات استفاده کرد، به خاطر که در جمع‌آوری آن به صورت نقدی و کالایی صورت می‌گیرد که دولت با جمع‌آوری که به صورت کالایی و یا قیمت آن را می‌تواند در بین افراد نیازمند جامعه توزیع کند که با این کار دولت در عرضه و تقاضای جامعه تاثیرگذار بوده و در اخیر میزان نقدینگی را هم می‌توان کنترل کرد (فراهانی فرد، ۱۳۸۵). زمانی که دولت‌ها توزیع زکات به صورت کالایی (بر اساس مقدار کالا) توزیع می‌گردد؛ بر همین اساس، این تاثیر بر تقاضای کل و آثار منفی مانند تورم بر اقتصاد ندارد. اما می‌تواند اثر توزیعی خوبی را در اقتصاد به وجود بیاورد (پور فرج، انصاری سامانی، ۱۳۹۰) (کنترل قیمت  $R_3$ ).

یکی از ویژگی‌های اصلی و مهم که زکات در این است که رشد اقتصادی را به وجود بیاورد؛ یعنی زکات با حل کردن مسئله بیکاری، ارتقای سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی و جلوگیری از حبس پول و ثروت اندوزی باعث می‌شود که مقدمات رشد اقتصادی را در جامعه به وجود بیاورد (کاشیان، ۱۳۸۳) (رشد اقتصادی  $R_1$ ). زکات با توجه به موارد مصرف که دارد می‌تواند از طریق بهبود مواد غذایی و بهداشتی، با افزایش کارآمدی آن‌ها سطح تولید را تغییر داد که با تولید بیشتر نیز رفاه افراد جامعه نیز تغییر می‌کند. زکات به علت کم بودن نرخ آن نه تنها بازار سرمایه را کوچک نکرده و تاثیر منفی ندارد بلکه با افزایش

مصرف کل از یک طرف رفاه را افزایش داده و از طرف دیگر افزایش گسترده بازار نیز می‌شود(توسلی، ۱۳۹۳)(R۲) هزینه‌های مشخص).

#### ۴-۲ مدل علت- معلولی سیاست‌های پولی در اسلام

مدل زیر روابط علت- معلولی مکانیسم انتقال سیاست پولی را در اقتصاد اسلامی به تصویر می‌کشد. در این مدل کانال‌های انتقال پولی نظیر: سرمایه‌گذاری با بازدهی ثابت و متغیر، مصرف با اثر ثروت و جایگزینی بین زمانی و کانال نرخ ارز نمایش داده شده است.



#### شکل ۵: روابط علت- معلولی سیاست‌های پولی در اقتصاد اسلامی

سیاست پولی از طریق کانال سرمایه‌گذاری با تغییر بازدهی ثابت و متغیر بر متغیرهای حقیقی اقتصاد اثر می‌گذارد؛ طوریکه با اتخاذ سیاست پولی انبساطی در اقتصاد اسلامی ابتدا بازدهی ثابت و بازدهی متغیر دچار کاهش شده و در پی آن عقود مبادله‌ای برای بازدهی‌های ثابت و عقود مشارکتی برای بازدهی‌های متغیر کاهش می‌یابند. با کاهش این عقود تقاضا برای سرمایه‌گذاری افزایش یافته و این امر افزایش در تقاضای کل و تولید و نهایتاً افزایش مجدد حجم پول را به دنبال دارد(افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری R3 و تغییر بازدهی متغیر R4) (فراهانی فرد و همکاران، ۱۳۹۵)

سازوکار اثر گذاری سیاست پولی مصرف را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. همانطور که در بخش متعارف بیان شد: کانال مصرف از طریق اثر ثروت و اثر جایگزینی بین زمانی بر مصرف عمل می کند. اثر ثروت در واقع از طریق افزایش قیمت دارایی ها مصرف فرد را تحت تأثیر قرار می داد. در اینجا نیز مصرف را با دو دیدگاه فوق مورد بررسی قرار میدهم: اثر گذاری سیاست پولی از طریق تغییر قیمت دارایی ها بگونه ای است که با افزایش حجم پول در اقتصاد و به دلیل افزایش عرضه وجوه سرمایه گذاری، سهم سود عرضه کننده وجوه دچار کاهش گردیده و باعث کاهش بازده انتظاری می گردد و به دنبال آن به دلیل منتقل شدن سپرده های سرمایه گذاری به بازاردارایی ها، تقاضای دارایی ها شبیه املاک و مستغلات و غیره افزایش میابد. در پی این خالص ارزش دارایی های خانوارها افزایش میابد و به علت اثر درآمدی (افزایش تا حداکثر آن) سطح مصرف افزایش یافته و باعث رشد تقاضای کل و تولید نیز میگردد. باید افزود که در اقتصاد اسلامی به علت پایین بودن مصرف کالاها، تجملی و لوکس در سطح کل، مصرف زمانی باعث افزایش تقاضای کل و تولید می گردد که به حد اسراف نرسد (مصرف - اسراف B1 و تغییر مصرف R1) (فراهانی فرد و همکاران، ۱۳۹۵). کانال بعدی که مبتنی بر مصرف عمل می کند کانال اثرات جایگزینی بین زمانی است که در این کانال بیان می گردد هر گاه حجم پول به هر دلیلی افزایش یابد، بازده انتظاری آینده دچار کاهش می گردد و مردم ترجیح می دهند مصرف کنونی شان را با مصرف آینده جایگزین نمایند و این امر باعث افزایش سطح مصرف خانوارها می گردد (اثر جایگزینی R2) (حسینی، ۱۳۸۸).

حلقه تقویت کننده R5 و حلقه های متعادل کننده های B2 و B3 تعیین نرخ ارز برای دو کشور اسلامی را بیان می دارند. نرخ ارز در دو کشور اسلامی براساس قیمت ها تعیین می گردد و هیچ نرخ بهره در کار نیست.

با افزایش حجم پول در کشور داخل و خارج سطح عمومی قیمت ها در دو کشور افزایش میابد و نرخ ارز در کشور داخل افزایش یافته و لی در کشور خارج کاهش میابد، باین حال ارزش پول ملی داخلی دچار کاهش شده و ارزش پول ملی خارج دچار افزایش میگردد. با کاهش ارزش پول ملی داخل نرخ سود انتظاری افزایش یافته و در پی آن تقاضا برای نگهداری پول کاهش میابد و در صورتی ثابت ماندن حجم پول سطح عمومی قیمت ها در داخل افزایش یافته و به دنبال آن نرخ ارز نیز افزایش میابد که باعث افزایش صادرات کاهش واردات گردیده و تراز پرداختها را مثبت می نماید و این امر باعث افزایش در تقاضای کل و سرانجام تولید می گردد (تغییر نرخ ارز در داخل R5 و کاهش ارزش پول ملی B2) (اسلام لوتیان، ۱۳۹۰).

با افزایش پول ملی در خارج نرخ سود انتظاری کاهش میابد و تقاضا برای نگهداری پول افزایش میابد ، در صورت ثابت ماند حجم پول سطح عمومی قیمت ها در خارج کاهش یافته و به دنبال آن به دلیل کاهش نرخ ارز در خارج تراز پرداختها منفی گردیده و در پی آن تقاضای کل و تولید کاهش میابد (تغییر نرخ ارز در خارج B3) (همان).

## ۵. نتیجه گیری



هدف از پژوهش حاضر بررسی سیاست های مالی و پولی در اقتصاد اسلامی با استفاده از رویکرد پویایی سیستم بوده که استفاده از این روش و مدلسازی متغیرها چندین مرحله دارد که در این مطالعه صرفاً از روابط علت- معلولی برای تبیین روابط متغیرها و نحوه اثر گذاری آنها در نظام اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار گرفته در حوزه سیاست پولی، تغییرات حجم پول از طریق کانالهای مختلف انتقال پولی بر متغیرهای حقیقی اقتصاد استفاده شده است. که برای این منظور پس از بررسی مطالعات انجام شده، کانالهای مختلف انتقال پولی در قالب روابط علت-معلولی مورد بحث و بررسی قرار گرفت روابط علت- معلولی سیاست های پولی که مورد بررسی قرار گرفته بخش سرمایه گذاری- مصرف و نرخ ارز را شامل می شود ترسیم و نشان داده شده است.

مهمترین یافته های این مطالعه نشان میدهد که:

۱. تفاوت مکانیسم انتقال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی در متغیرهای انتقالی شبیه سرمایه گذاری، مصرف و نرخ ارز نسبت به سایر متغیرهای انتقال پولی بارزتر و آشکار تر می باشد.
۲. تغییرات حجم پول در اقتصاد اسلامی بیشتر با بخش حقیقی اقتصاد منطبق و هماهنگ تغییر میابد.
۳. در روابط علت- معلولی سیاست پولی اقتصاد اسلامی بجای نرخ بهره از نرخ سود ثابت و انتظاری استفاده شده است.
۴. وارد شدن بحث اسراف و الگوی مصرف در جامعه اسلامی مهمترین متغیر در اقتصاد اسلامی برای تبیین اثر سیاست پولی بر مصرف مردم می باشد.

در بخش سیاست های مالی در دولت های اسلامی، نوع درآمدهای و هزینه های دولت است که متفاوت می باشد؛ در اقتصاد اسلامی دولت به جز مالیات دارای درآمدهای دیگری از قبیل: منابع طبیعی، خمس و زکات دارند که می تواند که درآمدهای دولت را افزایش دهد که با افزایش درآمد دولت می تواند با خدمات بهتر رفاه جامعه را افزایش دهند. همچنین در حوزه هزینه های دولت با استفاده از زکات دولت نیز می تواند هزینه های خود را کاهش دهد که با استفاده از زکات نیز در جامعه دولت، نقدینگی را هم می تواند کنترل کند.

## منابع

۱. اسعدی، میر محمد و سعید سعدا اردکانی، (۱۳۹۴)، «ارائه مدل پویا جهت توسعه گردشگری تاریخی (مورد مطالعه: استان یزد)»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی کاوش‌های مدیریت بازرگانی، سال هفتم، شماره ۱۴.
۲. اسلام لوییان، کریم، حمیده یزدان پناه و زهرا خلیل نژاد، (۱۳۹۷)، «بررسی وجود کانال ریسک‌پذیری سیاست پولی در نظام بانکی ایران»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۳۱.
۳. اسماعیلیان، مجید و مسلم علی محمدی کمال‌آبادی، (۱۳۹۴)، «ارزیابی تصمیم‌های سرمایه‌گذاری با استفاده از پویایی سیستم و اختیارات سرمایه‌گذاری واقعی (مورد مطالعه در شرکت تولید باتری خودرو)»، نشریه علمی- پژوهشی مدیریت نوآوری، سال سوم، شماره ۱.
۴. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۹۳)، مبانی اقتصاد اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
۵. پژویان، جمشید، خسروی، تانیا (۱۳۹۱)، تاثیر تورم بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، فصلنامه علمی- پژوهشی، دانش سرمایه‌گذاری، سال اول، شماره چهارم.
۶. توسلی؛ محمد اسماعیل (۱۳۹۳)، زکات و اثر آن بر رشد و توسعه اقتصادی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. حسن؛ سبحانی (۱۳۹۱)، گستره اقتصاد اسلامی، قم، انتشارات سمت، چاپ اول.
۸. حقیقی، ایمان (۱۳۸۵)؛ «مدل‌سازی مکانیزم انتقال سیاست پولی در بانکداری بدون ربا (مورد ایران) با روش گشتاوری تعمیم‌یافته»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
۹. رضا قلی زاده؛ مهدیه (۱۳۹۳)، ارزیابی سیاست‌های مالی دولت از مسیر تغییر درآمدهای مالیاتی بر اشتغال در ایران، پژوهشنامه اقتصاد کسب و کار، سال پنجم، شماره نهم، صفحات ۳۹-۵۰.
۱۰. سعادت‌ی ایمیر؛ موسی (۱۳۸۸)، پایان‌نامه: مالیه عمومی با نگرش اقتصاد اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
۱۱. سلیمانی امیری؛ غلامرضا، فرشی؛ زهرا (۱۳۸۶)، ارزیابی روش محاسبه زکات در بنگاه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی، نشریه فقه اهل بیت، سال هفدهم، شماره ۶۷۶۶، ۲۰۵-۲۴۹.
۱۲. شهبازی غیائی، موسی، محمد نقی نظرپور و سعید فراهانی فرد، (۱۳۹۷)، "اهداف نهایی سیاست‌های پولی و طراحی تابع هدف مقام پولی؛ رهیافت اقتصاد اسلامی"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۱۸، شماره ۷۲.
۱۳. فراهانی فرد، سعید، محمد نقی نظرپور و موسی شهبازی غیائی، (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی کانال‌های اثرگذاری سیاست پولی بر بخشی واقعی در چارچوب اقتصاد نوکلاسیک و اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۱۶، شماره ۶۱، ص ۱۰۸-۷۹.
۱۴. فراهانی فرد؛ سعید (۱۳۸۵)، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ دوم.
۱۵. فراهانی فرد؛ سعید (۱۳۸۰)، سیاست‌های مالی و ثروت‌های طبیعی، اقتصاد اسلامی، تابستان، شماره ۲، ۳۳-۵۴.

۱۶. قحف، منذر(۱۳۸۷) سیاست‌های مالی و نقش آن در نظام اسلامی، مترجم: مهدی لطیفی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۱۷. قحف؛ منذر(۱۳۷۶)، مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی، مترجم: عباس عرب مازار، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول.
۱۸. کاشیان، عبدالحمید(۱۳۸۳)، نقش بالقوه زکات در کمک به فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان، بلاغ مبین، شماره ۲۱ تا ۲۳، تابستان، ۱۳۷-۱۵۸.
۱۹. کرمانی، نوری؛ محمد امیر(۱۳۸۸)، سیاست‌های مالی از دیدگاه قرآن، علوم اجتماعی، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۷۷ و ۷۸، ۲۸۱-۲۹۲.
۲۰. میرجلیلی، سیدحسین، (۱۳۹۵)، " بررسی تطبیقی سیاست پولی متعارف در مقابل نامتعارف "، اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۳، شماره ۲.
۲۱. میرغفوری، حبیب الله، علی مروتی شریف آبادی و انسبه تاکی، (۱۳۹۴)، « بررسی عوامل مؤثر بر رضایت مشتریان، با رویکرد مدیریت ارتباط با مشتری با استفاده از روش دلفی سازی و مدل پویایی سیستم(مطالعه موردی: مجتمع فولاد مبارکه اصفهان)، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین، سال پنجم، شماره سوم.
۲۲. نصر اصفهانی، مهدی؛ نصر اصفهانی، مهرناز و دلوی اصفهان، محمد رضا(۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از دیدگاه مودیان و کارشناسان مالیاتی، دو فصلنامه پژوهش‌های مالیه اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، ۲۷-۶۳.
۲۳. ورهرامی؛ ویدا، گیگلو؛ جابر لایق، گیگلو؛ وحید لایق(۱۳۹۵)، تاثیر زکات بر توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰، جستارهای اقتصادی ایران، س ۱۲، شماره ۲۵، ۹-۲۶.
1. Mishkin, F.S.(2004), " the economics of money, banking and financial markets. London: pearson.
  2. Tahir, Sayyid,(2013), " Fiscal and monetary policies in Islamic Economics: contour of an Institutional Framework", Islamic economics studies, Vol.21, No.2,p 1-22.
  3. Sarker, MD. Abdul Awwal,(2016), " an evaluation of Islamic monetary policy Instruements introduction in some selected OIC member countries", Islamic Economic Studies, vol.24, No.1.
  4. Pratama, Y.C.(2013), " Effectiveness of Conventional and Syariah Monetary Policy Transmission" , Tazki Islamic and Business Review, Vol.8, No.1.
  5. Akther Uddin, Md.,(2016), " Reemergence of Islamic monetary Economics: a Review of Theory and practice", Munich personal RePEc Archive(MPRA),No. 72081.
  6. Khan, Mohsen, and Abbas Mirakhor,(1990), " Islamic Banking: Experiences in the Islamic Republic of Iran and Pakistan", Economic Development and cultural change, No.2, Vol.38. Chicago Journal, pp 353-375.